

در باره وجه تسمیه ی حقوق بین الملل

عید محمد عزیزپور



تعریف:

حقوق بین الملل عبارت از مجموعه اصول و هنجارهای الزام آور حقوقی است که دولتها و کسانندان¹ دیگر حقوق بین الملل، در روابط میان خویش، به رعایت آن متعهد (شده) اند. این اصول و قواعد ناشی از رشد مناسبات بین المللی است و به نوبت خویش روابط بین المللی میان دولتها و سازمانهای بین المللی، دولتها و کسانندان دیگر حقوق بین الملل را در زمینه های مختلف تنظیم نموده و سامان می بخشد؛ و در بعضی موردها نیز حقوق و وظایف در رابطه با افراد مقرر میدارد. هدف اساسی حقوق بین الملل تامین صلح و امنیت بین المللی برپایه همکاری میان کشورها است.

باید دانست که منظور از حقوق بین الملل، حقوق بین الملل عمومی است که در برابر حقوق بین الملل خصوصی به کار میرود.

در افغانستان این شاخه ی حقوق، از سوی گروهی به نام «حقوق بین الملل» و از سوی گروه دیگر به نام «حقوق لدول» یاد میشود. در ایران آن را «حقوق بین الملل» (عمومی) می گویند. نویسندگان ایرانی میگویند که این اصطلاح از دانشگاه استانبول به ایران وارد شده است.² اما به یقین که نویسندگان ترکیه نیز این اصطلاح را از زبانهای فرنگی به ترکی برگردانیده اند. عربها این شاخه ی حقوق را «القانون الدولی» یا «القانون الدولی العام» مینامند که باز هم ترجمه بی از زبانهای فرنگی است.

ممکن است کسانی که بار اول میخواستند اصطلاح «حقوق بین الدول» را، در افغانستان به کار ببرند، زیر تاثیر واژه ی «دول» عربی، این بخش حقوق را «حقوق بین الدول» نام گذاشته اند. حال اینکه در هر دو نام، واژه ها منشأ عربی دارند و میتوان هر دو اصطلاح («حقوق بین الملل» و «حقوق بین لدول») را به زبان فارسی مترادف خواند.

اگر واژه های «ملت»، «دولت» و «کشور» را مجازن، هم معنا انگاریم و آنرا چون یک بودمان یا موجودیتی تعریف کنیم که از کشور به صورت کل، نمایندگی میکند، اختلافی در معنا پیدا نخواهد شد. اما این که بگوییم کدام یک ازین دو نام گذاری درست تر است، راه به دهی نخواهد برد. زیرا هیچ یک ازین نامها با محتوا و تعریفی که در بالا آوردیم، مطابقت ندارند. اما من به این نظرم که، بهتر است این بخش حقوق را در افغانستان نیز به یک نام و آن هم «حقوق بین الملل (عمومی)» بنامیم.

ملل یعنی ملتها. ملت درینجا مجازن دولت و کشور معنا دارد. یک مثال ساده برای تایید این گفته سازمانهای بین المللی است. ما در افغانستان، هیچیک از سازمانهای بین المللی را سازمانهای بین الدولی یاد نمی کنیم. حتا سازمان ملل متحد را که یک سازمان سوچه ی میاندولتی است، «سازمان دول متحد» نمیگوییم، بلکه میگوییم «سازمان ملل متحد». حال اینکه، ملت و دولت یک معنا را میسرسانند و اعضای سازمان ملل متحد دولتها (کشورها) اند نه ملتها.

در اصل، حقوق بین الملل اصطلاحی است که نامگذاری آن در اروپا صورت گرفته است و ما در واقعیت برگردان اروپایی آن را استفاده میکنیم. در کشورهای دیگر نیز «حقوق بین الملل»، به همین نام یاد میشود، مگر در آلمان، و گاهی هم در هالند³ که آن را بنام «حقوق خلقها» (حقوق مردمان یا ملتها) یاد میکنند.⁴

این نام گذاری ها همچنان در زبانهای اروپایی برگردانی از همدیگر اند که با محتوای حقوق بین الملل سازگاری ندارند، ولی پذیرفته شده است. و ما معنا و محتوایی را که در تعریف بالا بیان شده است به آن میدهیم، بدون اینکه به نام گذاری آن دقت کنیم.

هنگامیکه این شاخه از دانش، در اروپا پدید آمد، دانشمندان می‌کوشیدند برای آن نامی بیابند. چنانکه در آن زمان مرسوم بود، آنان برای نام‌گذاری به حقوق روم باستان رو آوردند. در حقوق روم آنان اصطلاح لاتین (jus gentium) یعنی حقوق خلقها (ملتها)، را یافتند و این اصطلاح یا «زبانزد» را برای نام‌گذاری مناسب دیدند. اصطلاح (jus gentium)، که معنایش حقوق خلقهاست، در واقعیت آن هنجارهای حقوقی بود که روابط حقوقی میان شهروندان آزاد امپراتوری روم را با بیگانگان، پیوندهای حقوقی بیگانگان را با همدیگر، و هم، روابط با سایر کشورها را تنظیم می‌کرد و این هنجارها تنها پاره‌بی از حقوق داخلی روم باستان شمرده می‌شدند. حال اینکه حقوق بین‌الملل روابط میان دولتها و سایر کسانندان را تنظیم می‌کند.

از سوی دیگر، اصطلاح (jus gentium) یعنی حقوق خلقها (ملتها)، در مقابل (jus civile) حقوق مخصوص اتباع روم، قرار داشت، که دربردارنده هنجارهای حاکم بر روابط حقوقی میان شهروندان امپراتوری روم با همدیگر بود. درحالیکه حقوق بین‌الملل روابط میان دولتهای دارای حاکمیت را تنظیم می‌کند. ازین سبب، پسانها، اصطلاح (jus inter gentes) یعنی حقوق میان خلقها (ملتها)، یا حقوق بین‌الملل پدید می‌آید. ف.ب. مارتینس دانشمند انگلیسی (1590-1660) می‌نویسد: «حقوق بین‌الملل، (jus gentium) حقوق خلقها (ملتها) نیست، بلکه حقوق میان ملتهاست. ازینرو است که آهسته آهسته نام حقوق بین‌الملل پدید آمده است. در آن زمان ملت و دولت معنای واحد داشت. 5 همچنان، همو، نوشت که فعالان روابط بین‌المللی ملتهای سازمانیافته و یا دولتها اند. دولت از نظر او ملت سازمان یافته است.

اما از نظر تاریخی نخستین کسیکه هنجارها و مقره‌های حقوق بین‌الملل را نوشت هوگو گروسیوس، حقوقدان هالندی بود. او که به پدر حقوق بین‌الملل نامدار شد، نام این حقوق را «حقوق جنگ و صلح» گذاشت. اما در متن کتاب خود حقوق بین‌الملل را نیز استفاده کرد. نامهای دیگری که به منظور نام‌گذاشتن این شاخه‌ی حقوق به کار رفته است، عبارت اند از: «حقوق نوع بشر» (پاسکال فیور)، «حقوق سیاسی خارجی» (هگل) و غیره 6

در آن زمانها نویسندگان اروپایی به این عقیده بودند که حقوق بین‌الملل، حقوق دولتهای متمدن است که هدف از دولتهای متمدن، دولتهای مسیحی بود. بر اساس این عقیده بود که مردمان و دولتهای دیگر متمدن شمرده نمی‌شدند، گویا دیگران نامتمدن بودند. همین بود که دولتهای اروپایی به اشغال کشورهای دیگر دست یازیدند و سیستم استعماری را پایه افکنده شد. در بسی حالتها مردم بومی در سرزمین نیاگان خویش قتل عام شدند.

امروز حقوق بین‌الملل بر اساس اصل برابری تمام دولتها استوار است. فرق میان دولتها بنام متمدن و نامتمدن نیست.

در کشورهای اسلامی نیز، روابط دولت اسلامی با دیگر کشورها زیر نام «سیر» بررسی میشده است. 7 اصطلاح‌های «دارالاسلام»، «دارالحرب»، «دارالعهد»، «دارالهدنه» و «دارالحیاد» و غیره یادگار همین روابط است.

اما نام «حقوق بین‌الملل» باوجود که محتوای آن را بازتاب نمی‌دهد، در گفتمانهای دانشی و پژوهشی، چه در تراز بین‌المللی و چه در تراز درونکشوری، پذیرفته شده است.

فشرده اینکه، با وجود ناهمسانی در نام، حقوق بین‌الملل عبارت از مجموعه اصول و هنجارهای الزام آور حقوقی است که روابط میان دولتها، سازمانهای بین‌المللی و کسانندان دیگر حقوق بین‌الملل را در زمینه‌های مختلف تنظیم می‌نماید. هدف اساسی حقوق بین‌الملل تامین صلح و امنیت بین‌المللی برپایه همکاری میان کشورها است.

[1] subjects

[2] حقوق بین‌الملل عمومی، ویرایش جدید، تالیف دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی، ص. 12.

[3] Kooijman, P. H., Internationaal Publiekrecht in vogelvucht, Groningen 1995, p. 6

[4] Volkerrecht (المانی)، Volkenrecht (هالندی).

[5] به نقل از کتاب حقوق بین الملل، بخش عمومی، تالیف: زیر نظر ر.م. ولیوف، گ.ای. کوردوکف، دانشگاه کازان، 2011 (به زبان روسی)

[6] بنگرید: بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تالیف داکتر رضا موسی زاده، ص. 6

[7] بنگرید: اسلام و حقوق بین الملل، تالیف دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی، کتابخانه گنج دانش، تهران 1375

تازه ترین رویداد ها

122 - Walli e Ghazni by Shafie Ayar

121-Arshad Ershade Kazab by Shafie Ayar